



Criticism of the views of negative orientalists about the character of Hazrat Fatima (PBUH) in the encyclopedia of Qur'an and encyclopedia of Islam (Leiden).

Mohammad Askari (Mumtaz) *

Abstract

About the personality of Hazrat Fatimah (pbuh), Western analysts have provided different interpretations; But some of these analyzes, which are mainly presented by orientalists who do not know much about the essence of Islam, It is completely far from reality and contradicts the fundamentals of Shiism and the unique personality of Hazrat Fatima (PBUH). because they The personality of Hazrat Fatima (pbuh) simply because she is the daughter of the Prophet of Islam (pbuh). And the Prophet of Islam (PBUH) is considered as a political leader in the Islamic world. In this research, using the descriptive and analytical method and library sources, this view of the negative orientalists has been answered. The findings of the research show that the claim of the negative orientalists, due to being different from the fundamentals of Shiism , and reliance historical documents based on non-authentic sources do not have the necessary reliability and validity.

Keywords: The character of Hazrat Fatimah in the Leyden encyclopedia of Quran, the character of Hazrat Fatimah in the Leyden encyclopedia of Islam, criticism of the views of negative orientalists.

* Ph.D, Quran and orientalists, al-Mustafa International University:

askarishigri@gmail.com



نقد دیدگاه مستشرقان منفی نگر درباره شخصیت حضرت فاطمه (س) در دائره المعارف قرآن و اسلام لایدن*

محمد عسکری (ممتاز)*

چکیده

درباره شخصیت حضرت فاطمه (س) تحلیل گران غربی، تفسیرهای مختلفی را ارائه داده اند؛ اما برخی از این تحلیل ها که عمدتاً از سوی مستشرقان کم اطلاع از جوهره دین اسلام مطرح شده، کاملاً از واقعیت دور بوده و با مبانی اعتقادی تشیع و شخصیت بی نظیر حضرت فاطمه (س) در تضاد است، چراکه آنان، شخصیت حضرت فاطمه (س) را صرفاً از این جهت که دختر پیامبر اسلام (ص) است و به عنوان یک رهبر سیاسی در جهان اسلام مطرح است مورد بررسی قرار داده اند. در این پژوهش با استفاده از روش توصیفی و تحلیلی و منابع کتابخانه‌ای به این دیدگاه مستشرقان منفی نگر به صورت روشمند و نظام‌مند پاسخ داده شده است. یافته های پژوهش نشان می دهد این که ادعای مستشرقان منفی نگر به دلیل متفاوت بودن با مبانی تشیع، مستندات تاریخی و اتکا به منابع غیر معتبر، از اتقان و اعتبار لازم برخوردار نیست.

واژگان کلیدی: شخصیت حضرت فاطمه در دائره المعارف قرآن لایدن، شخصیت حضرت فاطمه در دائره المعارف اسلام لایدن، نقد دیدگاه مستشرقان منفی نگر

*تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۴/۶ و تاریخ تأیید: ۱۴۰۲/۶/۱۴

*دانش آموخته دکتری قرآن و مستشرقان، جامعه المصطفی (ص) العالمیه، مجمع آموزش عالی قرآن و حدیث:

askarishigri@gmail.com



مقدمه

در نگاه خاورشناسان فاطمه (س) پیش از هر چیز دختر پیامبر اسلام است و به همان میزان که سیره پیامبر (ص) به دلیل رویکردهای جدلی و ضداسلامی مؤلفان غربی مورد تحریف قرار گرفته است، اخبار مربوط به فاطمه (س) نیز واژگونه تحلیل شده است. در نگاه اجمالی به آثار غربی درباره سیره پیامبر (ص) می توان مشاهده کرد که رویکرد قرون وسطایی نسبت به شخصیت پیامبر (ص) که در آثار روحانیون مسیحیت شرقی و غربی وجود داشت، از اواسط قرن نوزدهم به دلیل پیدایی روش های جدید در پژوهش های تاریخی اندکی تعدیل پیدا می کند. آثار افرادی همچون گوستاو وایل (۱۸۰۸-۱۸۸۹)، آلوئیس اشپرنگر (۱۸۱۲-۱۸۷۸) و ویلیام مویر (۱۸۱۹-۱۹۰۵) که با رویکرد تاریخ محورانه تألیف شده اند اگرچه به شدت مطالعات قبلی ضد اسلامی و توهین آمیز نیست؛ ولی به هر حال شخصیت واقعی حضرت را درست ترسیم نکرده اند. پس از آن در اواخر قرن نوزدهم که مقارن با پیدایی اندیشه های اثبات گرایانه نیز بود، شک و تردیدهای مبالغه آمیز گلدزیهر مجارستانی در رابطه با اعتبار احادیث سیره باعث شد لئون کانتانی (۱۸۶۹-۱۹۳۵) و هنری لامنس (۱۸۶۲-۱۹۳۷) در نگارش کتاب های مربوط به تاریخ اسلام خود به یکباره اصالت و وثاقت احادیث سیره را منتفی و مردود اعلام کرده، در تلاش بودند با تحلیل های جانبدارانه تاریخ اسلام را تألیف کنند.

تردید نسبت به اعتبار منابع اسلامی در دهه های بعد همچنان رو به افزایش بود، اگرچه آثار مونتهگمری وات (۱۹۰۶-۱۹۰۹)، رژی بلاشر (۱۹۷۳-۱۹۰۰)، ورودی پارت (۱۹۸۳-۱۹۰۱) نسبتاً خوش بینانه تر تألیف شدند؛ اما متأسفانه برخی از دانشمندان غربی با همین رویکرد و نگرش منفی نسبت به شخصیت حضرت فاطمه (س) مطالعاتی انجام داده اند که با مقام و جایگاه معنوی آن حضرت تناسب ندارد. با توجه به این مسئله و نظر به اهمیت مقام معنوی



حضرت فاطمه (س) در پژوهش حاضر به صورت موردی صرفاً به بررسی دومقاله از آثار مستشرقان که در دائرة المعارف قرآن لایدن ودائرة المعارف اسلام لایدن به طور خاص مربوط به شخصیت حضرت فاطمه (س) است اکتفا می گردد.

الف. مدخل فاطمه (س) در دائرة المعارف قرآن لایدن

مدخل فاطمه در دایرةالمعارف قرآن لیدن، اثر جین دمن مک اولیف سرویراستار این دایرةالمعارف است. از آنجا که وی دائرة المعارف قرآن را یک مجموعه تفسیر قرآنی و مرجع اصلی برای قرآن پژوهان معرفی نموده وادعا دارد که به صورت قاعده مند براساس یک سلسله اصول گسترده علمی-اجتماعی تدوین گردیده است، بررسی این نوع مقالات ازاهمیت بالای علمی برخوردار است تا روشن شود که مطالعات انجام شده توسط خانم مک اولیف به عنوان سرویراستار این دائرة المعارف به چه میزان با ادعای وی تطابق دارد. مک اولیف در این خصوص آورده است:

«از آنجاکه که تقریباً تمام مقالات این دائرةالمعارف مستقیم یا غیر مستقیم یک مجموعه تفسیر قرآنی را ترسیم می کند. همراه با آرزوی خلق یک اثری که به عنوان یک مرجع، و بر اساس یک سلسله اصول گسترده علمی - اجتماعی و بشری در دسترس دانشمندان و محققان و دانشجویان قرار گیرد. من و همکارانم در این امیدواری نیز سهیم بودیم که یک تحقیق علمی موشکافانه را درباره قرآن در دائرةالمعارف بگنجانیم؛ تحقیقی که از کثرت دیدگاه ها و پایه های استدلالی رشد یافته و سرشار باشد.» (McAuliffe , jane Dammen , EQ ,)

(E۰۰۲IBID)

به طور کلی دیدگاه منفی نگرانه ی مک اولیف در مورد حضرت فاطمه (س) در سه محور قابل بحث و بررسی است:



۱. نیامدن اسم حضرت زهرا(س) در قرآن

مک اولیف درباره نیامدن اسم حضرت فاطمه (س) در قرآن می نویسد: «فاطمه یگانه فرزند محمد و نخستین همسرش (خدیجه) است که پس از رحلت آنان زنده ماند. نامش فاطمه(س) است؛ ولی نام او در قرآن نیامده است.»

(Encyclopedia of the quran _ EQ. Fatima, Gane Dammen Mc Auliffre).

نقد و بررسی

در آیات متعددی از قرآن به فاطمه(س) اشاره شده است؛ اما نام وی همانند نام امامان معصوم در قرآن کریم نیامده است، زیرا: قرآن در پی نام بردن از صحابیان و بستگان پیامبر نبود؛ مگر در موارد استثنائی مثل داستان زید(زید، احزاب، ۳۷)؛ ابولهب (مسد، ۱). که برای بیان مطلبی (همچون حکم ازدواج زید و نفرین بر ابولهب) ذکر نام آنها ضرورت داشت. ازاین رو در موارد متعددی، با اینکه مطالب مربوط به زنان پیامبر و منافقان مشهور در قرآن آمده است، ولی نامی از آنها برده نشده است. (سوره تحریم، سوره منافقین) نام بردن از افراد موجب انگیزش حب و بغض های متعدد و زمینه ساز تحریف قرآن می شود. در برخی احادیث از امام صادق (ع) درباره نیامدن نام علی (ع) و اهل بیت در قرآن پرسش شد و ایشان به نماز اشاره کرد که حکم آن در قرآن نازل شد، ولی از سه یا چهار رکعت بودنش نامی به میان نیامد و خود رسول خدا این قسمت را برای آنان تفسیر کرد. (رضایی اصفهانی و اسکندرلو، «فاطمه در قرآن»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره ۴، صص ۶۵-۹۸).

۲. نزول فقط سه آیه در شأن حضرت زهرا(س)

این مستشرق در مقاله اش ادعای ارتباط تنها سه آیه از قرآن با حضرت را مطرح می کند. به



اعتقاد او از میان آیاتی که مفسران به فاطمه مربوط دانسته‌اند، مهم‌ترین آنها ۳۳ احزاب و ۶۱ آل عمران است.

(Gane Dammen Mc Auliffre, Encyclopedia of the quran _ EQ. Fatima).

نقد و بررسی

در آیات متعددی از قرآن کریم به فاطمه اشاره شده است. از میان تحقیقات و پژوهش‌های انجام‌شده چنین به نظر می‌رسد که بالغ بر ۱۳۶ آیه از قرآن کریم در شأن حضرت زهرا (س) نازل شده است. در این میان فقط دانشمندان و عالمان شیعه نیستند که این موارد را ذکر کرده‌اند؛ بلکه در موارد بسیاری این موضوع توسط دانشمندان، عالمان و محققان اهل سنت نیز بیان شده است. در حالی که خانم مک اولیف از میان صدها آیه‌ای که مربوط به حضرت زهرا (س) است، فقط به ذکر دو سه مورد اکتفا کرده است. (رضایی اصفهانی و اسکندرلو، «فاطمه در قرآن»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره ۴، صص ۶۵-۹۸)

در آیات مربوط به فاطمه علاوه بر کتاب‌های روایی و تفسیری، کتاب‌های مستقل دیگری نیز نگاشته شده است که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

عبدالحسین بن محمد علی خوشنویس در کتاب «التحفة الفاطمية فی احوال سیده النساء فاطمه الزهرا و مناقبها و مصائبها» (فارسی - ۱۳۲۸ ش). ده آیه قرآن را درباره فاطمه (س) مورد بحث قرار داده است.

ابوالفضل واصف در کتاب «فاطمه (س) زهرا از نظر آیات قرآن» (۱۳۵۱ ش) سی آیه را منطبق با شأن فاطمه می‌داند که بر آن حضرت تأویل یا تطبیق شده‌اند. نویسندگان برای اثبات مدعای خود از روایات دو فرقه و نظرات مفسران بهره برده است.



سید صادق حسینی شیرازی در کتاب «فاطمه الزهرا فی القرآن» (۱۳۷۹ ش)، آیات مربوط به حضرت فاطمه را به ترتیب سوره‌ها، از ۶۷ سوره گردآوری کرده است، در این کتاب بیشتر از منابع روایی اهل سنت با حذف اسناد بهره گرفته شده و تفسیر، تأویل یا شأن نزول آیات بیان شده است.

عبدالحسین قدسی خوش‌نویس، در کتاب «ده‌گفتار پیرامون سیمای حضرت فاطمه در قرآن کریم» (تحفه فاطمیه) با تحقیق سیدجواد میرشفعی خوانساری (۱۳۷۹ ش) به بررسی ده آیه قرآن می‌پردازد که شأن نزول آنها مربوط به فاطمه است، یا ارتباط آشکاری با حضرت دارد و مقامات فاطمه را روشن می‌سازد. نویسندگان با بیان تفسیر آیات و احادیث مربوط به آنها، به تفصیل به تاریخ زندگی فاطمه نیز پرداخته است.

شیخ علی حیدر مؤید، در کتاب «فضائل فاطمه الزهرا فی الذکر الحکیم» (۱۳۸۰) به شرح و تفسیر ۱۳۵ آیه می‌پردازد که در شأن فاطمه نازل شده یا تفسیر و تأویل آنها مربوط به حضرت است. انگیزه وی از انتخاب عدد ۱۳۵ آن است که نام فاطمه بر اساس حروف ابجد ۱۳۵ می‌شود. ایشان آیات را به ترتیب سوره‌های قرآن آورده و از جوامع روایی فریقین استفاده کرده است.

آیات مربوط به حضرت فاطمه (س) در منابع فریقین

در مجموع ۱۳۵ مورد در آیات مربوط به فاطمه شمرده شده است؛ هرچند برخی از این موارد بیش از یک آیه است یا گاهی در یک آیه، دو موضوع به فاطمه مربوط است.
(مؤید، فضائل فاطمة الزهراء فی الذکر الحکیم) با بررسی آیات مربوط روشن می‌شود که بیشتر آیات بالا بر اساس احادیث ذکر شده به فاطمه (س) مربوط است، البته برخی از آیات از باب شأن نزول و تطبیق بر مصادیق و برخی هم از باب تأویل و بطن آیات است.



(رضایی اصفهانی و اسکندرلو، «فاطمه در قرآن»، مجله قرآن و مستشرقان، شماره ۴،

ص ۶۵-۹۸)

۳. تشکیک در شمول فاطمه (س) از مصادیق اهل بیت

نویسنده مقاله در تشکیک اینکه حضرت فاطمه شامل اهل بیت می شود یا نه می نویسد:
«طبری نیز روایتی منسوب به عکرمه را آورده که «اهل البیت» را به همسران پیامبر تفسیر کرده است.»

(Gane Dammen Mc Auliffre, Encyclopedia of the quran _ EQ, Fatima)

بررسی

باتوجه به تشکیک مذکور ما درصدد پاسخگویی به این اشکال آیات ذیل را به عنوان نمونه مورد بررسی قرار می دهیم. یکی از این آیات آیه مبارکه تطهیر است که نویسنده در آن توسط روایتی از عکرمه تشکیک نموده است.

آیه مباهله

یکی از آیاتی که شأن نزول آن مربوط به حضرت فاطمه (س) نیز است و تفسیر فرازی از آن درباره ایشان شده است، آیه ۶۱ سوره آل عمران است که مشهور به آیه «مباهله» است: «فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَةَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ». (آل عمران، ۶۱)

واژه «مباهله» در اصل به معنای تضرع و زاری است و در اصطلاح به معنای آن است که دو نفر همدیگر را لعن و نفرین و درخواست عذاب و بلا کنند و از خدا بخواهند دروغگورا رسوا سازد.

(جوهری، الصحاح؛ ماده «بهل» و تفاسیر قرآن، ذیل: نساء، ۶۱).



درباره شأن نزول این آیه آمده است، گروهی از مسیحیان نجران خدمت پیامبر رسیدند و درباره حضرت عیسی گفت‌وگو کردند و قرار شد فردا با هم مباحله کنند. پیامبر اکرم همراه علی، فاطمه، حسن و حسین (علیهم‌السلام) در صحنه حاضر شد و بدین مناسبت آیه مباحله فرود آمانزل شد و عظمت شأن علی (س) - جان و نفس پیامبر (ص) و فاطمه (س) مصداق «نساننا» را نشان داد و با آنکه پیامبر در آن زمان همسرانی داشت، هیچ‌کدام را به صحنه مباحله نبرد.

زمخشری معتقد است: هیچ دلیلی قوی‌تر از این آیه بر فضیلت علی و فاطمه و حسن و حسین نیست. (زمخشری، الکشاف، ج ۱، ص ۳۷۰. ذیل آیه) آلوسی نیز می‌گوید: دلالت آیه بر فضیلت آل پیامبر برای هر مؤمنی بی‌تردید است. (آلوسی، روح المعانی، ج ۳، ص ۱۶۷). اصل شأن نزول فوق بیش از ۵۱ طریق و از ۳۹ نفر از اهل بیت و صحابیان و تابعان حکایت شده است. حتی جصاص ادعا کرده است که راویان تاریخ و ناقلان آثار و اخبار هیچ‌گونه اختلافی درباره آن ندارند. (جصاص، احکام القرآن، ج ۲، ص ۲۳)

با بررسی مقاله روشن می‌شود که خانم مک اولیف فقط به سه آیه درباره فاطمه اشاره کرده است، در حالی که ۱۳۵ آیه قرآن روایات تفسیری و غیرتفسیری در رابطه با حضرت فاطمه نقل کرده‌اند. البته این آیات و روایات دلالت یکسان ندارد. برخی تفسیری، برخی تأویلی، برخی شأن نزول، برخی تطبیق و برخی از باب فضایل حضرت فاطمه است.

آیه تطهیر

از جمله آیاتی که در شأن حضرت زهرا نازل شده است، آیه تطهیر است: «إِنَّمَا يَرِيْدُ اللّٰهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد. (احزاب، ۳۳)



هنگامی که رحمت الهی نازل می شد رسول خدا (صلی الله علیه وآله) درحالی که ناظر به رحمت الهی بود، می فرمود: فراخوانید نزد من! فراخوانید نزد من! «صفیه» پرسید: یا رسول الله! چه کسی را به حضور بطلبیم؟ فرمود: اهل بیتم را، علی، فاطمه، حسن و حسین. به محض اینکه به حضور مبارک شرفیاب شدند، رسول اکرم عبای خویش را بر روی سر آنان افکند و دست هایش را به آسمان برافراشت و فرمود: پروردگارا! اینان اهل بیت من هستند. اینک، بر محمد و آل محمد درود فرست. خدای تعالی به جبران آنچه رسول خدا درباره اهل بیتش خواسته بود، آیه تطهیر را نازل کرد. حاکم می گوید: این حدیث، صحیح الاسناد است. (ابن حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۹۶)

ام سلمه نقل کرده است که در یکی از روزها که رسول خدا در خانه من تشریف فرما بود، خدمتکار به عرض رسانید: علی و فاطمه در پشت در خانه هستند و اجازه می خواهند تا به حضور برسند. رسول خدا خطاب به من فرمود: از اهل بیت من، فاصله بگیر. (یعنی ما را تنها بگذار). (ساعدی، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ص ۳۷۱).

آیه مودت

از آیات دیگری که می توان در شأن حضرت زهرا دانست، می توان به آیه مودت اشاره کرد: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَنْ يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ» (احزاب، ۳۳) ای پیامبر بگو: «من هیچ پاداشی از شما بر رسالتم درخواست نمی کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم [اهل بیتم]؛ و هرکس کار نیکی انجام دهد، بر نیکی اش می افزایم؛ چراکه خداوند آمرزنده و سپاسگزار است. (شوری، ۲۳).

نزدیکان پیامبر اسلام کیانند؟

زمخشری در کشاف ذیل تفسیر آیه مودت گفته است: در روایت آمده است هنگامی که آیه مودت نازل شد، یکی از اصحاب گفت: یا رسول الله! نزدیکان شما که مودت آنان بر ما لازم



است، چه کسان هستند؟ رسول خدا در پاسخ فرمود: نزدیکان من که مودت آنها بر شما واجب است، علی و فاطمه و دو فرزند ایشان هستند. (زمخشری، الکشاف، ذیل آیه فوق)
و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (و می گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم).

مؤلف گوید: فخر رازی در «تفسیر کبیر» در ذیل آیه مودّت واقع در سوره شوری، در تعقیب روایت کشاف اظهار داشت: از روایت مزبور به دست می آید این چهار تن - علی، فاطمه و حسنین (علیهم السّلام) - از نزدیکان پیامبر اکرم هستند و زمانی که ثابت شد افراد یادشده از نزدیکان پیامبرند، باید از ویژگی خاصی برخوردار باشند و تعظیم و احترام زیادتری لازم داشته باشند. (ساعدی، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ۴۳۴).
این سؤال در اذهان پیروان واقعی قرآن خودنمایی می کند که این احترام و تعظیم بعد از رسول گرامی اسلام چه شد؟

آیه اطعام

آیه اطعام از جمله آیات دیگری است که در شأن حضرت زهرا (س) نازل شده است: «وَ يُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَ يَتِيمًا وَ أَسِيرًا. إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَ لَا شُكُورًا؛ (انسان، ۸). و غذای (خود) را با اینکه به آن علاقه (و نیاز) دارند، به «مسکین» و «یتیم» و «اسیر» می دهند! (و می گویند: ما شما را به خاطر خدا اطعام می کنیم، و هیچ پاداش و سپاسی از شما نمی خواهیم!)



علمای شیعه و سنی در شأن نزول این آیه اتفاق نظر دارند. به عنوان نمونه شیخ مفید در کتاب گرانسنگ خود می نویسد: خداوند این آیه را در شأن علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) نازل فرمود و ثابت کرد با آنکه غذا از هر جهت لازم برای خودشان و مورد احتیاجشان بود، از آن استفاده نکردند و به مستحق تسلیم کردند. (مفید، الارشاد، ص ۱۶۳).

سیوطی از علمای اهل تسنن در الدر المنثور، ذیل تفسیر این آیه گفته است: ابن مردویه از ابن عباس روایت کرده است که این آیه در شأن حضرت علی بن ابیطالب (علیه السلام) و حضرت فاطمه (علیها السلام)، نازل شده است. (ساعدی، فضائل پنج تن علیهم السلام در صحاح ششگانه اهل سنت، ج ۱، ص ۱۵۰).

مدخل فاطمه (س) در دائرة المعارف اسلام لایدن

لئورا وچیا والیری، یکی از نویسندگان دائرة المعارف اسلام لیدن است که این اثر از بزرگترین و جامع ترین کار مستشرقان نسبت به اسلام شناسی در غرب است. والیری (۱۸۹۳-۱۹۸۸) در مدخل فاطمه (س) نسبتاً مفصل همه مطالب را درباره آن حضرت و دیدگاه های مختلفی که درباره آن بانو در بین غربیان مطرح است، بیان کرده است. وی می گوید: فاطمه (س)، دختر محمد و خدیجه، همسر علی بن ابیطالب و مادر حسن و حسین (علیهما السلام)، یگانه دختر پیامبر

است که نامور شد و از سوی همه مسلمانان مورد احترام و تقدیس قرار گرفت. والیری خاطر نشان می سازد که در پی تحقیق و مطالعه ای بی طرفانه برای به دست آوردن واقعیت هاست؛ ولی ظاهراً منابع تاریخی و مجموعه های حدیثی علاقه زیادی به ثبت وقایع زندگی فاطمه (س) نداشته اند. برخی مطالب گاهی عمداً در ابهام و پیچیدگی قرار می گیرد. منابع قرن دوم و سوم و نیمه اول قرن چهارم، به ویژه انساب الاشراف بلاذری، طبقات ابن سعد و سیره ابن هشام خیلی کم و به ندرت فرصت پیدا کردند خود را درگیر فاطمه (س) بکنند. به همین دلیل زندگی وی در



پس پرده ابهام مانده است. در منابع بعدی نظیر الاستیعاب (ابن عبدالبر) و اسدالغابه (ابن اثیر) و الاصابه (ابن حجر) از آن حضرت عمداً غفلت شده است. (ابن حجر عسقلانی، الاصابه، ج ۴، ص ۱۵۲) والیری طبق این مبانی و رویکرد و نیز براساس دیدگاه های سایر مستشرقان در مورد شخصیت حضرت فاطمه (س) اظهاراتی را مطرح نموده که با مبانی تشیع و شخصیت واقعی آن حضرت تطابق ندارد. والیری دیدگاه های زیادی را در مورد شخصیت حضرت فاطمه (س) مطرح نموده است اما در این بخش به بررسی برخی از دیدگاه های والیری در مورد شخصیت حضرت فاطمه (س) صرفاً برای نمونه اکتفا می گردد

۱. افسانه پنداری تاریخ زندگانی حضرت زهرا (س)

والیری درباره افسانه بودن تاریخ زندگی حضرت زهرا می نویسد: فاطمه (س)، زنی است که برخلاف دیگر زن ها، همیشه همراه پیامبر بود [یا مرتبط بود]، و در وقایع بزرگ سال های اول اسلام حضور داشت. [یعنی از نزدیک ناظر آن بودند] و بدین خاطر مورد توجه زیاد منابع تاریخی قرار گرفت، و گاه به درجه افسانه ای بالا برده شد که برای معتقدانش هیچ مشکلی برای پذیرش اوصاف و ویژگی های که برای وی گفته شده، ندارد. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرةالمعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۱).

نقد و بررسی

در بیان نقد دیدگاه والیری می توان باتوجه به منزلت حضرت فاطمه (س) در پیشگاه خداوند و نیز نزد رسول خدا (صلی الله علیه و آله) به منزلت و تاریخ زندگانی حضرت پی برد. بدیهی است که احادیث فراوانی در شناسایی شخصیت حضرت زهرا، و منزلت و درجه آن حضرت در پیشگاه خدا و رسولش وجود دارد، تا جایی که بزرگانی از شیعه و سنی، به منظور جمع آوری آنها، کتاب های جداگانه ای را نگاشته اند.

۲. ترسیم سیمایی کاملاً تیره و بی اهمیت



والیری از دو تن از مستشرقان بنام، هانری لینمس (Henry Lammense) و لوئی ماسینیون (Louis Massignon) این گونه نقل می کند که رأی کاملاً متضاد برای حضرت فاطمه (س) ارائه داده اند. اولی در کتاب «فاطمه (س) دختر محمد» به طرز زندگی مبتکرانه، ولی بدون بدخواهی و عناد، سیمایی از فاطمه (س) ترسیم کرده است که تصویری تیره و افسرده از زندگی دختر پیامبر است. چنانچه او حضرت فاطمه (س) را این گونه توصیف می کند: فاطمه (س) زنی به دور از هر نوع قشنگی و کشش، هوش میانه، کاملاً بی ارزش و بی اهمیت بود و نزد پدرش از اعتبار کمی برخوردار بود. با همسرش بدرفتار، زرد چهره، غالباً بیمار و گریان، و شاید با مرض سل از دنیا رفته است. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرةالمعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۱)

در نظر هنری لامنس تمامی کتاب های حدیث مجعول اند و با هدف ستایش از زندگی پیامبر، ساخته و پرداخته شده اند. البته وی برای ادعای خود دلیلی غیر از گزافه گویی نمی آورد. جالب است که وی علاوه بر کتاب هایی که در سیره نبوی و تاریخ صدر اسلام دارد و به کلی همه فضایل پیامبر و ارزش های جامعه نبوی را انکار کرده، کتاب هایی درباره حکومت امویان نوشته و بنی امیه را ستایش کرده است. (بدوی، دائرةالمعارف مستشرقان، ص ۵۶۳). وی کتابی با نام «فاطمه (س) و دختران محمد» (Fatima et les filles de Mahomet) دارد که در سال ۱۹۱۲ در رم منتشر شد. وی در این کتاب به گونه ای جانب دارانه تلاش کرده است چهره ای کاملاً تیره و تاریک از دختر پیامبر ارائه دهد. چنانکه بنا به تعریف وی، فاطمه (س) بانویی است که هیچ گونه جذابیت و زیبایی ظاهری نداشت، هوش پایینی داشت. شخصیت بی اهمیت و بی ارزشی داشت و مهم تر آنکه پدرش به ندرت او را احترام می کرده است. (L. Veccia Vaglieri. "Fatima." Encyclopedia of Islam, Leiden, Vol , p ۸۴۱).

نقد و بررسی



این سیمای تیره که مستشرقان بیان کرده‌اند کاملاً در تضاد با آن چیزی است که منابع اسلامی برای حضرت نقل کرده‌اند. در برخی روایات؛ سیما و مشخصات ظاهری و جسمی حضرت فاطمه (س) این‌گونه توصیف شده است:

۱. انس بن مالک می‌گوید: «از مادرم درباره شمایل حضرت فاطمه سؤال کردم، در جواب گفت: فاطمه مثل ماه در شب چهاردهم یا مثل آفتابی بود که تازه از زیر ابر خارج شده و یا تازه وارد آن می‌گردید، و رنگ پوستش سفید و روشن بود». (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳۵۶)
۲. در روایتی نقل شده است که: «حضرت فاطمه (س) ... موهای خود را می‌بافت و موهای بلندش بر روی شانه‌های ایشان می‌ریخت» (ابن شهر آشوب، ۱۳۷۹ق، ۳۵۷)
۳. عایشه می‌گوید: «راه رفتن فاطمه (س) مانند راه رفتن رسول خدا (ص) بود» (شیخ صدوق، ۱۳۷۶ش، ۵۹۵) روایات دیگری وجود دارد که هم می‌تواند نشانگر زیبایی باطنی باشد و هم نشانگر زیبایی ظاهری:

الف. پیامبر اکرم (ص) حضرت زهرا (س) را چنین توصیف می‌کند: «اگر برای زیبایی، نمادی بود همانا فاطمه (س) آن نماد می‌شد» (ابن شاذان، ۱۴۰۷ق، ۱۳۶)

ب. امیرالمؤمنین علی (ع) می‌فرماید: هرگاه با پیامبر تنها می‌شدم به من می‌فرمود: «ای ابا الحسن! چه نیکو و زیبا است همسرت فاطمه، بر تو مژده و خبر به شادمانی می‌دهم که من تو را به ازدواج سرور زنان جهان درآوردم». (رسولی محلاتی، ۱۳۸۱ق، ۳۵۹)

۳. افسانه‌پنداری داستان ولادت حضرت زهرا (س)

وچیا والیری ضمن افسانه‌ای خواندن داستان ولادت حضرت فاطمه (س) (سلام‌الله‌علیها)، با تشکیک در منابع شیعه می‌نویسد: خدیجه به علت اینکه با کسی که از لحاظ طبقه‌بندی اجتماعی از وی فروتر بود ازدواج کرده، از سوی قریش تحقیر شده بود. محمد نزد وی رفت و به او گفت: جبریل به من خبر داده است که شما دختری را حامله می‌شوی که معصوم و روحی خالص دارد و از آن دختر، اولاد، اعقاب من و ائمه‌ای که برای



امامت روی زمین بعد از وفات من، به دنیا خواهند آمد. فاطمه(س) وقتی در رحم مادر بود با وی سخن می‌گفت.

به علت تحقیر و اهانت خدیجه، زنان قریش دوران درد زایمان از کمک به وی سرباز زدند. بدین‌سان، چهار زن از بهشت برای کمک به خدیجه به زمین فرود آمدند: سارا، آسیه، و صفورا دختر شعیب و زن موسی. حورها با یک کاسه و یک پارچ از آب کوثر آمدند. اول نو مولود را شستشو دادند و او را با کتان عالی معطر قنداق کردند و او معطر، خوشبخت، خجسته در اولاد اعقاب خود داشت به خدیجه تحویل دادند و خدیجه به نومولود شیر داد. فاطمه(س) در یک روز به اندازه یک سال دیگر بچه‌ها رشد کرد و بزرگ شد. آن زن‌های بهشتی که برای کمک خدیجه آمده بودند، بعد از اینکه کارهای خودشان را انجام دادند، مرخص شدند، ولی پیش از رفتن آنها نومولود با به زبان آوردن نام تک‌تک آنها به آنان سلام کرد. و لحظه تولد فاطمه(س)، نور او زمین و آسمان را از مشرق تا غرب فراگرفت [در نتیجه لقب زهرا به او دادند]. بلافاصله بعد از ولادت، فاطمه(س) کلمه ایمان را به زبان آورد، به خدا ثنا گفت و به امامت علی اقرار کرد، قرآن را تلاوت کرد و وقائع آینده را پیش‌بینی کرد. چون هیچ نوع تحقیق نظام‌مند در این موضوع صورت نگرفته است، ما خودمان را در ترسیم سیمای افسانه‌ای فاطمه(س) فقط سه متن اولیه شیعه محدود کردیم که در آن متون، بخش‌هایی به دختر پیامبر اختصاص داده شده است. مؤلفان این متون ابن‌رستم طبری که مطابق به مصحح کتابش «دلائل الامه» در قرن ۴ هجری [۱۰ میلادی] می‌زیسته است؛ حسین بن عبدالوهاب که کتاب او یکی از منابع مجلسی در نوشتن «بحارالانوار» و کتاب «مدینه المعاجز» بحرانی بود که در سال ۴۴۸ هجری [۷ - ۱۰۸ میلادی] شروع کرد. او بعضی از وقائع را درباره فاطمه(س) ارائه می‌دهد که با متون دیگر اختلاف فراوانی دارد. ابن شهر آشوب که در سال ۵۸۸ هجری [۱۱۹۷ میلادی] از دنیا رفته



است. از میان این سه منبع، کتاب مناقب آل ابی طالب بیشترین مطالب را به دست می دهد و از بیشترین منابع نقل قول می کند. (والیری، فاطمه (س) از دایرة المعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۹)

نقد و بررسی

نویسنده بدون هیچ مدرکی این وقایع را افسانه ای می خواند و این ها را ساخته و پرداخته شیعیان می داند و این، تعصب کورکورانه و عدم تسلط در منابع و عمل به خلاف اصول و مبانی اولیه تحقیق را می رساند، درحالی که این وقایع تاریخی کم و بیش با تفاوت های جزئی در منابع اهل سنت هم آمده است. با وجود اینکه این امر از کسی مخفی نیست، سعی بر زدودن فضائل و مناقب اهل بیت (علیهم السلام) از دوران خلفا که به روش منع حدیث شروع شد و در حکومت های بنی امیه و بنی عباس نیز جعل حدیث رواج داده شد و فضایل اهل بیت را برای دیگران جعل می کردند و متون حدیثی که در این زمان ها شکل می گرفت، بی گمان به نفع حاکمان آن زمان توجه داشت. در بررسی داستان ولادت حضرت این مبحث را در منابع اسلامی بررسی می کنیم که در منابع اهل سنت روایات مختلفی درباره انعقاد نطفه فاطمه (س) زهرا (سلام اله علیها) در شب معراج به سبب خوردن میوه بهشتی دیده می شود. این روای را بزرگانی

همچون ابن عباس (قربانی، اخبار الدول و آثار الاول، ج ۱، ص ۲۵۶)، عایشه (خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۵، ص ۲۹۳)، سعد بن ابی وقاص (سیوطی، الدر المنثور، ج ۵، ص ۲۱۸) و سعد بن مالک (حاکم نیشابوری، المستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶) ذکر کرده اند.

۱. سیوطی در تفسیر «الدر المنثور» ذیل تفسیر آیه اول سوره اسراء به نقل از طبرانی می نویسد: عایشه گفت: رسول اکرم (ص) فرمود: آنگاه که مرا به سوی آسمان بردند، داخل بهشت شده در کنار درختی از درختان آن توقف کردم، درختی که به نکوئی آن



درختی و به سفیدی برگ آن برگی، و به لذیذی میوه آن میوه‌ای در بهشت ندیدم، پس
میوه‌ای از میوه‌های آن

۲. برگرفتم و خوردم و به صورت نطفه‌ای در صلب من آمد و آنگاه که به زمین هبوط
کردم، با خدیجه هم‌بالین شدم و او فاطمه (س) را باردار شد، بعد از آن هرگاه مشتاق
بوی بهشت می‌شدم، فاطمه (س) را می‌بوییدم. (سیوطی، الدر المنثور، ج ۵،
ص ۱۱۸)

۳. مستدرک الصحیحین از سعد بن مالک روایت می‌کند که رسول گرامی اسلام فرمودند:
جبرئیل با یک گلابی بهشتی نزد من آمد، گلابی را شب معراج خوردم، و خدیجه، فاطمه (س) را
باردار شد. بعد از آن هرگاه مشتاق بوی بهشت می‌شدم، گردن فاطمه (س) را می‌بوییدم. (حاکم
نیشاپوری، مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۶)

رسول اکرم (ص) حضرت فاطمه زهرا (س) را زیاد می‌بوسید، عایشه به عنوان اعتراض به
آن حضرت گفت: شما فاطمه (س) را زیاد می‌بوسید! در جواب او حضرت چنین گفتند: جبرئیل
در شب معراج مرا وارد بهشت کرد و از تمام میوه‌هایش مرا اطعام نمود و آن طعام، نطفه‌ای در
صلب من شد و خدیجه فاطمه (س) را باردار گشت، پس هرگاه مشتاق به آن میوه‌ها شوم،
فاطمه (س) را می‌بوسم و از بوی او رائحه تمام آن میوه‌ها را استشمام می‌کنم. (سیوطی،
الدر المنثور، ج ۵ ص ۲۱۸)

۴- ادعای اختلافات در میان علی و فاطمه (س) و پادرمیانی پیامبر
و چیا والیری در قسمتی از مقاله خود ادعای اختلاف میان حضرت علی و فاطمه (س)
(علیهما السلام) نموده و می‌گوید: «علی و فاطمه همیشه در هماهنگی و آرامش خاطر زندگی
نکردند. علی با فاطمه (س) خیلی با شدت و سختی رفتار می‌کرد و فاطمه (س) نزد پدرش



شکایتش را کرد.» (L.Veccia Vaglieri, "Fatima." Encyclopedia of Islam,)

(Vol ۱, p ۸۴). احادیثی وجود دارد که آنها به درستی از زندگی خانوادگی آنها سیمایی ترسیم می کنند و صورت گویا و واضح توصیف می کنند که چگونه پیامبر پادرمیانی کرد و چگونه چهره پیامبر بعد از آشتی دادن عزیزان خود با طمأنینه از فرط خوشحالی درخشان شد. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرةالمعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۴)

نقد و بررسی

تناقض گویی های نویسنده چنان آشکار است که جای او ادعا می کند فاطمه (س) در نزد پیامبر اهمیتی نداشته و در جای دیگری می گوید: چگونه پیامبر پادرمیانی کرد و چگونه چهره پیامبر بعد از آشتی دادن عزیزان خود با طمأنینه از فرط خوشحالی درخشان شد. همچنین گذشته از این حرف ها با توجه به احادیثی که از تاریخ زندگانی حضرت زهرا (س) نقل شده و روایات فراوانی از حضرت که در باب شوهرداری نقل شده است، بیانگر حسن رفتار ایشان با همسر گرامیشان است و بیانگر عدم اختلاف است که برخی از موارد آن عبارتند از:

«جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ؛ (شریف رضی، نهج البلاغه، ترجمه انصاریان، ص ۴۹۴؛

کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۹). جهاد زن این است که خوب شوهرداری کند.»

می دانیم که اهمیت جهاد بسیار زیاد است و در ردیف بزرگترین عبادات به حساب آمده و در آن حدیث است که وقتی از امام می پرسند: کدام عمل بهترین اعمال است؟ در جواب فرمود: «الصلوة لوقتها و بر الوالدین و الجهاد فی سبیل الله» (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۱۲ - ۴۸۸؛ ج ۵ ص ۲۰۵ - ۱۹؛ اردبیلی، زبدة البیان فی براهین احکام القرآن، ص ۲۷۸؛ کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۱۵۸؛ ابن فهد حلی، عده الداعی، ص ۵۷). و همین قدر کافی است که خدای متعال درباره جهاد فرمود: «لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ



وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا» (نساء، ۹۵) اما همین جهاد با این عظمت از عهده زن برداشته شده و بر او واجب نیست. بر طبق این روایت و روایات دیگری که در این راه رسید، جهاد زن خوب شوهرداری کردن است.

در حدیث دیگر به این تعبیر آمده است: «قال امير المؤمنين (ع) كَتَبَ اللَّهُ الْجِهَادَ عَلَى الرَّجَالِ وَالنِّسَاءِ فَجِهَادُ الرَّجُلِ بَذْلُ مَالِهِ وَنَفْسِهِ حَتَّى يَقْتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَجِهَادُ الْمَرْأَةِ أَنْ تَصْبِرَ عَلَى مَا تَرَى مِنْ أَدَى زَوْجِهَا وَغَيْرَتِهِ» (کلینی، اصول کافی، ج ۵، ص ۶؛ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۲۳؛ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹) امیرالمومنین علی (علیه السلام) فرمود: خدای متعال جهاد را بر مردان و زنان واجب فرمود، پس جهاد مرد این است که از بذل جان و مال تا سر حد شهادت و کشته شدن در راه خدا دریغ نکند و جهاد زن به آن است که در برابر تند و آزار شوهر و غیرت او بردباری کند.

هنگامی که در این اواخر عمر رسول خدا، فضه را برای خدمت خانه به او داد. فاطمه (س) کار خانه را با او تقسیم کرده بود، نه اینکه همه کارها را به عهده او بگذارد؛ بلکه یک روز خود کارهای خانه را انجام می داد و فضه استراحت می کرد و روز دیگر زهرا به کارهای شخصی و بچه داری می پرداخت و فضه کارهای خانه را انجام می داد.

۵. ادعای روایت پیامبر (ص) در دفاع از فاطمه (س) علیه حضرت علی (ع)

یکی از مطالبی که والیری آن را ادعا کرده است بحث روایت و بیان پیامبر (صلی الله علیه وآله) بر علیه حضرت علی (علیه السلام) در دفاع از دخترش است که این چنین گفته است: جدی ترین دعوای ها آنها هنگامی رخ داد که بنوهشام بن المغیره از قریش به علی (علیه السلام) پیشنهاد کرد که علی (علیه السلام) باید با یکی از زنان آنها ازدواج کند، علی



(علیه السلام) هم این خواستگاری [پیشنهاد] را رد نکرد؛ ولی هنگامی که بعضی از قبائل این معامله را به گوش محمد (صلی الله علیه وآله) رساندند، محمد به دفاع دختر خود برآمد و گفت:

فاطمه بضعه [بخشی] از من است، هرکس که او را برنجاند، من را رنجانده است [یا کسی که او را ناراحت کند، مرا ناراحت کرده است] [این حدیث به نحوه های گوناگون نقل شده است که معنا و مفهوم همه آنها یکی است]. (L.Veccia Vaglieri, مقاله فاطمه (س) از دایرةالمعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۴؛ L.Veccia Vaglieri. "Fatima." Encyclopedia of Islam, Leiden, Vol , p ۸۴۱).

نقد و بررسی

برای نقد و بررسی ادعای امثال والیری و دیگران این ادعا را از منابع اسلامی مورد بحث قرار می دهیم: فاطمه بضعه (ابن درید، جمهرة اللغة، ج ۱، ص ۳۹۵؛ مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۹، ص ۳۲ و ۳۳۵). منی من سرّها فقد سرّنی و من سأها فقد سأنی، فاطمه اعزّ البریه علیّ؛ رسول خدا (صلی الله علیه وآله) فرمودند: فاطمه (س) پاره تن من است، هرکس او را شاد کند، مرا شاد کرده، و هرکس او را اندوهگین سازد، مرا اندوهگین ساخته است، و فاطمه (س) برای من عزیزترین خلق است. (مفید، امالی مفید، ص ۲۶۰؛ مجلسی، بحارالأنوار، ج ۲۸، ص ۳۰۳ و ج ۴۳، ص ۲۳ و ۳۹؛ طوسی، امالی، ص ۲۴؛ ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۳، ص ۱۱۲)

همه ارباب لغت اتفاق دارند که «بَضْعَة» به معنای قطعه است و گاهی با کسره خوانده می شود. علمای لغت تصریح کرده اند که «بَضْعَة» قطعه ای از گوشت است.

الف. بررسی الفاظ، دلالت و متن حدیث



این روایت شریف با الفاظ گوناگون از پیامبر گرامی (صلی الله علیه وآله) از طریق شیعه و اهل سنت نقل شده است که به بررسی آنها می پردازیم.

۱. فاطمه بضعه منی فمن اغضبها اغضبني. (سهیلی، الروض الانف، ج ۲، ص ۱۹۶؛ قسطلانی، ارشاد الساری، ج ۱، ص ۵۹۶) سهیلی، یکی از علمای اهل سنت می گوید: این حدیث دلالت دارد بر اینکه هرکس حضرت زهرا (س) را سب کند، کافر شده است و کسی که صلوات بر او بفرستد، صلوات و درود بر پدر او یعنی پیغمبر گرامی (صلی الله علیه وآله) فرستاده است. قسطلانی می گوید: طبق این حدیث هرکس زهرا را اذیت کند، پیغمبر گرامی اسلام را اذیت کرده و اذیت پیغمبر حرام است و همه بر این مطلب اتفاق دارند.

۲. انما فاطمه (س) بضعه منی یوءذینی ما اذاها. (مسلم نیشابوری، صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۹۰۲، باب ۱۵، ح ۹۵ و ۹۴ و ۹۳؛ جز ۷، باب فضائل زهرا (سلام الله علیها)، ۱۴۱، ۱۴۳؛ بخاری، صحیح بخاری، جز ۵، باب مناقب فاطمه (س)، ح ۲۹)

۳. انها بضعه منی یربني ما رابها و یوءذینی ما اذاها. (ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۲، ص ۴۰)

ب. اسباب صدور حدیث

از اینکه پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) این حدیث را در چه رابطه ای فرمودند، اقوال مختلفی است، که به بعضی از آنها اشاره می شود.

۱. آنگاه که فاطمه (س) پاسخ پرسش پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) را دادند.

روزی پیغمبر گرامی اسلام (صلی الله علیه وآله) در میان صحابه فرمودند: چه چیزی برای زنها بهتر است؟ تمام آنها در جواب آن باز ماندند، علی (علیه السلام) به منزل مراجعه کرد تا پاسخ آن را از فاطمه (س) چوبای شود که وی فرمود: «... وَ لَكُنِّي أَعْرِفُهُ خَيْرٌ لِلنِّسَاءِ أَنْ لَا يَرَيْنَ



الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَرَجَعْتُ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ سَأَلْتَنَا أَيَّ شَيْءٍ خَيْرٌ
 لِلنِّسَاءِ خَيْرٌ لَّهُنَّ أَنْ لَا يَرَيْنَ الرَّجَالَ وَلَا يَرَاهُنَّ الرَّجَالَ فَقَالَ مَنْ أَخْبَرَكَ فَلَمْ تَعْلَمْهُ وَأَنْتَ عِنْدِي
 فَقُلْتُ فَاطِمَةُ فَأَعَجَبَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ وَقَالَ إِنَّ فَاطِمَةَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ اينکه نامحرمی او را مشاهده
 نکنند و او نیز نامحرمی را نبیند. رسول اکرم با تعجب فرمود یا علی پاسخ را از چه کسی
 گرفتی؟ من که پاسخ آن را به کسی نگفته بودم! علی (علیه السلام) گفت از فاطمه (س)، در این
 موقع، حضرت فرمودند: فاطمه بضعه منی؛ یعنی فاطمه (س) پاره تن من است. (مجلسی،
 بحار الانوار، ج ۴۳ ص ۵۴؛ ابونعیم اصفهانی، حلیۃ الأولیاء، ج ۲ ص ۴۰)

۲. هنگام قبول شدن توبه ابولبابه

ابولبابه برای قبول شدن توبه خود، خود را به ستون بسته بود. پس آیه توبه نازل شد که توبه
 ابولبابه مقبول است «وَيَشْهَدُ لَصِحِّهِ هَذَا الْإِسْتِقْرَاءُ أَنَّ أَبَا لُبَابَةَ حِينَ ارْتَبَطَ نَفْسُهُ وَحَلَفَ أَلَّا يَحِلَّ لَهُ
 إِلَّا رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - فَجَاءَتْ فَاطِمَةُ لِيَحِلَّهَ فَأَبَى مِنْ أَجْلِ قَسَمِهِ فَقَالَ
 رَسُولُ اللَّهِ - صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ - "إِنَّمَا فَاطِمَةُ مُضْغَةٌ مِنِّي فَحَلَّتْهُ" (مجلسی، بحار الانوار،
 ج ۴۳ ص ۵۴) حضرت زهرا (س) خواستند او را از ستون باز کنند. ابولبابه گفت: من قسم
 خورده‌ام که کسی جز رسول خدا (صلی الله علیه وآله) مرا باز نکند. پس پیغمبر گرامی این جمله
 را فرمودند: «إِنَّمَا فَاطِمَةُ مُضْغَةٌ مِنِّي فَحَلَّتْهُ» (مجلسی، بحار الانوار، ج ۴۳، ص ۵۸).

۳. معرفی فاطمه (س)

ابن صباغ مالکی از مجاهد روایت کرده است: خرج النبی (صلی الله علیه وآله) و هو اخذ
 بيد فاطمه فقال: من عرف هذه فقد عرفها و من لم يعرفها فهي فاطمه بنت محمد و هي بضعه



مَنّی و هی قلبی و روحی التی بین جنبی؛ پیامبر اسلام (صلی الله علیه وآله) از منزل خارج شدند، درحالی که دست فاطمه (س) در میان دستان او بود، روبه مردم کرد و فرمود: هرکه فاطمه (س) را

می شناسد که می شناسد و هرکه او را نمی شناسد پس او فاطمه (س) فرزند من و پاره تن من است. او قلب و روح من است. البته درباره معرفی فاطمه (س) توسط پیامبر به این صورت که در ملاء عموم باشد، به این صورت امکان دارد که در کودکی ایشان بوده و یا با رعایت ضرورت با حجاب کامل بوده است.

۶. تلاش علی برای ازدواج با فردی دیگر

والیری مدعی است که حضرت علی (علیه السلام) برای ازدواج با فردی دیگر غیر از حضرت زهرا (علیها السلام) در تلاش بوده است. او می گوید: به نظر می رسد علی هم در همان هنگام، در پی ازدواج با دختر ابوجهل به نام العوره [تک چشم] بود. محمد در بالای منبر بر علیه علی احتجاج کرد که علی می خواهد در زیر یک سقف هم دختر رسول خدا و هم دختر دشمن خدا [یعنی ابوجهل] را جای دهد. در این موقع و هنگام هم پیامبر رسماً اعلام کرد که فاطمه (س)

بخشی از من است و اضافه کرد که اگر علی می خواهد طرح خود را عملی کند، او باید فاطمه (س) را طلاق دهد. بعضی از مؤلفین از این استتاج و استنباط کردند که تک همسری [با یک زن ازدواج کردن] از خصائص و ویژگی های دختر پیامبر است. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرة المعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۴)

همچنین دنیس ال سوفی با اذعان به اینکه رابطه زناشویی علی و فاطمه (س) رابطه ویژه ای بود و تک همسری علی تا پایان عمر فاطمه (س)، نشانه ای بر این امر است، در ادامه می نویسد:



منابع اهل سنت این کنجکاو را - که چرا علی تک‌همسری را در زندگی با فاطمه(س) اختیار کرده است - با حدیثی توضیح می‌دهند که در آن علی از دختر ابوجهل خواستگاری می‌کند؛ ولی پیامبر به او این اجازه را نمی‌دهد به دلیل اینکه باعث ناراحتی فاطمه(س) می‌شود. به نوشته ایرانیکا، بنوهشام ابن‌المغرب از قبیله قریش به علی پیشنهاد کرد تا با یکی از دخترانش ازدواج کند. علی پیشنهاد را رد نکرد؛ ولی هنگامی که خبر به محمد رسید، محمد به دفاع از فاطمه(س) پرداخت و گفت «فاطمه(س) پاره تن من است و هرکس فاطمه(س) را بیازارد مرا آزرده است». به نظر می‌رسد که هم‌زمان علی از جُویر، دختر ابوجهل، خواستگاری کرده بود. در این هنگام محمد در بالای منبر اعلام کرد که او تنها در صورت طلاق دادن فاطمه(س) می‌تواند با دختر ابوجهل ازدواج کند. به گفته دنیس صوفی سه نسخه مشهور این حدیث توسط مسور بن مخرمه روایت شده‌اند که در هنگام وفات پیامبر حدود نه سال داشته است. او برخی از این روایت‌ها را در راستای بدنام کردن علی و برخی دیگر را در جهت تثبیت ایدئولوژی اهل سنت می‌داند که در آن مرتبه فضیلت خلفای راشدین بر اساس ترتیب حکمرمایی آنهاست (و خلیفه‌های قبل از علی از او برتر شمرده می‌شوند). (Denise L Soufi, "The Image of Fatima in Classical Muslim Thought," pp. ۵۹-۶۰)

نقد و بررسی

منزلت و مقام حضرت زهرا (علیها السلام) در نزد علی و مباهات آن حضرت به وجود زهرا می‌تواند نشان‌دهنده عشق و علاقه و احترام حضرت علی (علیه السلام) به پیامبر (صلی الله علیه و آله) باشد. چنانچه حضرت علی (علیه السلام) می‌فرماید: «و لی الفخر بفاطمه و ایها ثم فخری برسول الله اذ زوجنیها؛ من به فاطمه(س) و پدرش مباهات می‌کنم و آنگاه به رسول خدا افتخار می‌کنم در آن هنگام که فاطمه(س) را به همسری من در آورد.»



علی (علیه السلام) در احتجاجات و مناظراتی که در اثبات حقانیت خود در جمع مردم داشت، بارها به وجود فاطمه (س) مباحثات می کرد که به برخی از آنها اشاره می کنیم:

۱. حضرت در مناظره ای طولانی با ابوبکر چنین فرمود: «تو را به خدا سوگند می دهم آیا من آن کسی هستم که رسول خدا (مرا برگزید و دخترش فاطمه (س) (را به همسری من در آورد و فرموده و فرمود (یا خداوند او را در آسمان به همسری تو در آورد) یا تو هستی؟ پاسخ داد: بلکه تو هستی.» (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۰۹)

۲. حضرت در جای دیگری فرموده است: شما را به خدا سوگند می دهم! آیا در بین شما غیر از من کسی هست که همسرش بانوی زنان جهانیان باشد؟ گفتند: نه. (طبرسی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۳۲۱).

۳. همچنین در ضمن پاسخ نامه معاویه چنین نگاشته است: پیامبر از ماست و تکذیب کننده (ابوجهل) از شماست. شیر خدا از ماست (جناب حمزه) و شیر احلاف از شماست. دو آقای جوانان بهشت از ما هستند و کودکان جهنمی و اهل آتش از شمایند. بهترین زنان جهانیان از ماست و حمالة الحطب (ام جمیل عمه معاویه و همسر ابولهب) از شماست. همچنین در جایی دیگر می فرمایند: محمد پیامبر برادر و همتایی من و حمزه سید الشهداء

عموی من است. جعفر که شبانه روز با ملائکه در پرواز است، برادر من است. دختر حضرت محمد، زوجه و همسر من است که گوشت او با گوشت من در هم آمیخته است. نوادگان حضرت احمد فرزندان من از فاطمه (س) هستند. کدام یک از شما بهره و سهمی هم چون من دارا هستید. این کلمات را حضرت علی در پاسخ به معاویه مرقوم داشت در آن نامه که معاویه فضائل خود را بدین گونه بر شمرده بود که: من دارای فضایلی هستم. پدرم در دوران جاهلیت عبادت و آقایی داشت و من خود در اسلام به پادشاهی رسیدم. رسول خدا داماد ما بود و من دانی مؤمنین و کاتب وحی هستم. حضرت در پاسخش نوشت: پسر هند جگرخوار با



فضائل و برتری‌هایش بر من شوریده است... بعد از آنکه نامه حضرت به معاویه رسید و آن را خواند، دستور داد این نامه را از اهالی شام پنهان کنند تا طرفدار علی نشوند. (امینی، الغدير، ج ۲، ص ۲۵-۲۶)

۷. ادعایی مضحک در ارتباط با نام ابوتراب

والیری در ادعایی مضحک در ارتباط با لقب حضرت علی (علیه السلام) می‌نویسد: نام ابوتراب [پدر زمین] که به علی داده شده است، علاوه بر دیگر توضیحات مربوط به آن، یکی از آنها اشاره به دعوی علی و فاطمه (س) است، به جای اینکه علی به ناراحتی فاطمه (س) جواب دهد، از خانه بیرون می‌رفت و خاک بر سرش می‌ریخت، روزی محمد این صحنه را دید و این نام معروف را به او داد. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرة المعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۵)

نقد و بررسی

در تحلیل روایت وی این مبحث را از منظر روایات اسلامی بررسی می‌کنیم:

روایت بخاری بیان‌گر این است که اطلاق این کنیه (ابوتراب) مربوط به زمانی است که بین حضرت امیر و حضرت زهرا اختلافی پیش آمد و در این زمان پیامبر این کنیه را به ایشان دادند. متن گزارش به این صورت است: خالد بن مخلد از سلیمان بن بلال از ابوحازم از سهل بن سعد چنین نقل کرده است: محبوب‌ترین اسم‌ها برای علی (رضی الله عنه) ابوتراب است که علاقه داشت به این نام صدا شود و کسی به این نام، ایشان را نخواند مگر پیامبر، زمانی که علی مورد خشم و غضب فاطمه (س) قرار گرفته بود از منزل خارج شد و به مسجد رفت و خوابید و زمانی که پیامبر آمد، دید علی، پشتش خاکی شده بود، پس پیامبر خاک را از پشت علی پاک می‌کرد و فرمود: بنشین یا اباتراب! بنشین یا ابا تراب. (بخاری، صحیح البخاری، ج ۷، ص ۱۱۹؛ همو، الأدب المفرد، ص ۱۸۳)



۱۲. تشکیک در ادعای فاطمه (س) برای مالکیت و میراث حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)

والیری در باب میراث حضرت فاطمه (س) از پدر گرامیشان می نویسد: فاطمه (س) بعد از رحلت پدرش، از ابوبکر دادخواست کرد دارایی های محمد را که او الان به دست گرفته بود، پس بدهد. این روشن نیست که آیا دارایی ها شامل آن زمینی که از یهودی مسلمان شده به پیامبر رسیده در مدینه از زمین بنی نظیر هم می شد یا نه؟ غالباً دعوی بر سر این نبوده است؛ بلکه دعوی بر سر فدک و آن زمینی که از سهم خیبر گرفته بود، دائر بوده است. ابوبکر با گفتن این از دادن فدک انکار کرد که او خود از پیامبر شنیده است که گفت: پیامبر هیچ ارشی نمی گذارد و تمام دارایی های وی صدقه اند. همچنین این روشن نیست که آیا ادعا را خود فاطمه (س) به تنهایی راه انداخت یا همراه عباس [عموی پیامبر]. بررسی احادیث متعدد ما را به این نتیجه می رساند که تلاش برای به دست آوردن مالکیت این زمین دوبار و با دلایل مختلف همراه بوده است. بار اول غالباً توسط هر دو [فاطمه (س) و عباس] بوده است؛ ولی بار دوم فاطمه (س) به تنهایی بوده است. این مشاجره بین دو شخصیت برجسته ای مانند ابوبکر و دختر رسول خدا برای مسلمانان ناخوش آیند بوده است. در نتیجه مسلمانان با توجیهاتی در پی آن هستند که وزن و سنگینی این را کوچک

کنند. مانند اینکه فاطمه (س) با فدک می خواست اجاره اش و کرایه اش را به فقراء بدهد [مطابق با منابع شیعه] مسلمانان می خواهند از ابوبکر تصویری نمایش دهند که او بابت وظیفه انکار درخواست دختر پیامبر اندوهگین بوده است، ولی به این کار از سوی خود محمد مأمور شده بود. شیعه طبعاً خلیفه را به علت عدم اعتماد به فاطمه (س) که می گفت او فدک را به عنوان تحفه و هدیه از پدرش دریافت کرده است، نمی بخشد و قرن هاست که در پی دلیل این سؤال می گردند. (والیری، مقاله فاطمه (س) از دایرة المعارف اسلام لیدن، ص ۸۴۷)



نقد و بررسی

در بحث میراث فاطمه (س) از پیامبر اکرم، مورد مناقشه مسئله فدک است که از اهمیت خاصی برخوردار است و علاوه بر حضرت زهرا، ائمه معصومین (علیهم السلام) نیز آن را مطالبه کرده بودند که در بررسی مطالب والیری این مسئله را بحث می‌کنیم:

فدک به فاصله دو یا سه روز از مدینه قرار داشت که ساکنان آن یهودی بودند. (حموی، معجم البلدان، ج ۴، ص ۲۳۸) در معجم البلدان آمده است: «پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در سال هفتم هجری خیبر را فتح نمود، چون خیبر آن به اهل فدک رسید به وحشت افتادند و کسی را به حضور پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرستادند و پیشنهاد صلح دادند، بدین شرط که نصف محصولات و اموال و اراضی خود را به مسلمانان بدهند. پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) با پیشنهاد آنان موافقت فرمودند و چون مسلمانان برای گرفتن فدک پیکار نکردند و اسب و رکاب آنان به این سرزمین نرسید، خالصه رسول خدا گشت (شکری الوسی، بلوغ الارب فی المعرفة احوال العرب، ج ۱، ص ۱۹۲) و تنها در اختیار و تصرف پیامبر (صلی الله علیه و آله) قرار گرفت و مسلمانان در آن حقی نداشتند.

پس از نزول آیه شریفه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» (روم، ۳۸) پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) به فرمان خداوند فدک را به حضرت زهرا (صلی الله علیه و آله) بخشید. روایات ذیل نشانگر این است که پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در زمان حیاتش فدک را به حضرت زهرا (س) واگذار کرده است.

ابوسعید خدری گوید: هنگامی که آیه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» نازل شد، پیامبر اکرم به حضرت زهرا فرمود: فدک مال توست. (شوشتری، احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۹)
 عطیه گوید: پس از نزول آیه «وَ آتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ» پیامبر اکرم حضرت زهرا را فرا خواند و فدک را به او بخشید. (شوشتری، احقاق الحق، ج ۳، ص ۵۴۵).



حضرت علی بر عثمان بن حنیف والی خود در بصره می نویسد: «از آنچه آسمان بر آن سایه افکنده بود، تنها فدک در اختیار ما بود.» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۶، ص ۲۸؛ اربلی، کشف الغمه ج ۲، ص ۱۹۴-۱۹۵)

مأمون، خلیفه عباسی نیز در آغاز قرن سوم هجری به «قثم بن جعفر»، فرماندار مدینه می نویسد: «واگذاری فدک به حضرت زهرا در زمان پیامبر اکرم امری آشکار و شناخته شده بوده است و خاندان پیامبر در آن اختلافی نداشته اند.» (بلاذری، فتوح البلدان، ص ۳۸)

نتیجه

برپایه ره آوردهای تحقیق پیرامون دیدگاههای برخی از مستشرقان منفی نگر نسبت به شخصیت حضرت فاطمه (س) پرداخته شد، مشخص گردید که هیچ کدام از مستشرقانی که دیدگاههای آنها مورد بازخوانی قرارگرفت به منابع تاریخی اصیل اسلام استناد نکرده اند و از سوی دیگر این دسته از مستشرقان کوشیده اند که دیدگاه و مبانی و یافته های ناقص و جعلی خود را پایه و اساس تحلیل قرار دهند و به همین جهت نتوانسته اند تحلیلی صحیح از شخصیت حضرت فاطمه (س) بانوی بی نظیر تاریخ ترسیم نمایند. دیدگاه این گروه از مستشرقان که برخواسته از اندیشه مادی گرایی است نشان می دهد که از نظر آنها شخصیت حضرت فاطمه (س) آنچنانکه گفته می شوند نبوده است، ره آوردهای پژوهش نشان داد که این دیدگاه نه تنها با حقایق علمی - تاریخی در تضاد است، بلکه با دیدگاه مستشرقان مثبت اندیش نیز در تضاد و تنافی می باشد. همچنین روشن شد که به دلیل عدم بهره گیری این دسته از مستشرقان از منابع اصیل اسلامی دیدگاههای شان راجع به حضرت فاطمه (س) دخت رسول گرامی اسلام (ص) از اعتبار علمی قابل دفاع برخوردار نبوده و بیشتر برپایه باورها و پیش فرض های غلط بنا نهاده شده است که حتی مستشرقان منصف هم آنها نپذیرفته و عکس ادعای موهن آنان را مطرح کرده اند.

دو فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات قرآنی مستشرقان، سال اول، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳ صص ۱۰۶-۱۳۱
Two seasons, Specialized-scientific Journal, Quranic studies of Orientalists / Vol. ۱, No. ۰۱ / Spring & Summer
۲۰۲۴
Criticism of the views of negative orientalists about the character of Hazrat Fatima (PBUH) in the
encyclopedia of Qur'an and encyclopedia of Islam (Leiden)
Mohammad Askari (Mumtaz)

جامعة المصطفى العالمية
Al-Mustafa International University
مجتمع آموزش عالی قرآن و حدیث





فهرست منابع

قرآن مجید

۱. ابن اثیر، عزالدین علی، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ب
۲. ابن منظور، محمد، لسان العرب، نشر ادب الحوزه، قم، ۱۴۰۵ هـ
۳. ابن ابی الحدید، عزالدین، شرح نهج البلاغه، داراحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۹۶۷ م.
۴. ابن تیمیه، احمد، منهاج السنة النبویة، مکتبة ابن تیمیه، قاهرة، ۱۹۹۸ م.
۵. احمد بن حنبل، فضائل الصحابة، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۶. اصفهانی، راغب، المفردات، ذوالقربی، ۱۹۹۶ م.
۷. آلوسی، محمود، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، انتشارت جهان، تهران، بی تا.
۸. بحرانی، هاشم، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، بیروت، ۱۹۹۹ م.
۹. بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، دارالفکر، ۱۴۰۱ - ۱۹۸۱ م.
۱۰. جوهری، ابن طنطاوی، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، دارالفکر، بیروت.
۱۱. حبّتی، دکتر محمد باقر، اسباب النزول، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، تهران، ۱۳۶۹ ش.
۱۲. حسکانی، حاکم، شواهد التنزیل لقواعد التفضیل، تحقیق محمد باقر المحمودی ۱۴۱۱- ۱۹۹۰ م
۱۳. الحسینی شرف الدین، تاویل الآیات الظاهرة، مدرسة الامام المهدي (عج)، ۱۴۰۷ ق.
۱۴. رازی، فخر الدین، تفسیر الفخر الرازی (مفاتیح الغیب)، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۵ م.
۱۵. رجبی و دیگران، روش شناسی تفسیر، پژوهشکده حوزه و دانشگاه، ۱۳۷۹ ش.
۱۶. رضایی اصفهانی، محمد علی، درآمدی بر تفسیر علمی قرآن، انتشارات اسوه، قم، ۱۳۷۵ ش.
۱۷. زمخشری، محمود، الکشاف، عن حقائق غوامض التنزیل، دار المعرفة، بیروت، بی تا.
۱۸. سیوطی، جلال الدین، الاتقان فی علوم القرآن، دار ابن کثیر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۱۹. سیوطی، جلال الدین، الدر المنثور فی التفسیر المأثور، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۳ م.
۲۰. شاکر محمد کاظم، مبانی و روش های تفسیری، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۱. صادقی، محمد، الفرقان فی تفسیر القرآن، انتشارات فرهنگی اسلامی، تهران، ۱۰۴۶ هـ ق.
۲۲. طباطبائی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، انتشارات اسلامی، قم، بی تا.



۲۳. طبرسی، فضل بن حسن، مجمع البیان، دارالمعرفة، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۲۴. طبری، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، دارالفکر، بیروت، ۱۹۸۸ م.
۲۵. طوسی، ابن جعفر محمد بن حسن، الأمالی، تحقیق مؤسسة البعثة، دارالثقافة، قم، ۱۴۱۴ ق.
۲۶. العلامة الحلی، کشف الیقین، تحقیق حسین الدرگاهی، ۱۴۱۱، ج اول.
۲۷. عیاشی، محمد تفسیر العیاشی، المكتبة العلمية الاسلامية، تهران، بی تا.
۲۸. فضائل فاطمه الزهرا(س) فی الذکر الحیم، تالیف شیخ علی حیدر مویّد.
۲۹. قرطبی، محمد بن احمد، الجامع الاحکام، القرآن، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۳۰. کاشانی، فتح الله، تفسیر منهج الصادقین، انتشارات کتابفروشی علمیه اسلامیة، تهران، بی تا.
۳۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، دارالکتب الاسلامیة، تهران، ۱۳۸۸ هـ. ق.
۳۲. مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، مؤسسة الوفاء، بیروت، ۱۹۸۳ م.
۳۳. محقق، محمد باقر، نمونه بینات در شأن نزول آیات، انتشارات اسلامی، تهران، بی تا، چ پنجم.
۳۴. محمد رشید رضا، تفسیر المنار تفسیر القرآن الحکیم، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۹ م.
۳۵. معرفت، محمد هادی، التفسیر الاثری الجامع، مؤسسة التمهید، قم، ۲۰۰۴ م.
۳۶. مودودی، ابوالاعلی، تفهیم القرآن، لاهور، ترجمان القرآن، ۱۹۹۳ م.
۳۷. نسائی، احمد بن شعیب، سنن النسائی، دارالفکر، بیروت، ۱۹۹۵ م.
۳۸. نیشابوری، نظام الدین، غرائب القرآن و رغائب الفرقان، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۹۹۶ م.
۳۹. Encyclopedia of the quran _ EQ. Fatima, Gane Dammen Mc Auliffre